پاسخ به اشکال

الف) منا‌قشه در حد دانژون و امکان رؤیت هلال در وقت مقارنه

شاگرد۲: فرمودید تا زوال قابل رؤیت است.

استاد: بله، زوال را برای تایدش آوردم. ظاهر این روایت چه کار می‌کند؟ حتی در همین فرمایش شما درست لحظه طلوع ماه؛ قمر طلوع کرده ولی چون پنج درجه بوده آن را ندیدیم. خلاصه این طرف، یک درجه بعد از مقارنه داریم. تا زوال فردایش که استقرار احکام اومه می‌شود، هنوز خیلی داریم.

شاگرد: دیگر «ماهان هلال جدید» نداریم.

استاد: «هلال جدید، رئی او لم یر».

شاگرد: الآن واقعاً هلالی نیست. هلال وقتی تشکیل می‌شود که از پنج درجه در شود.

استاد: برای همین، آن روز جوابی دادم. حد دانژون را مورد منا‌قشه قرار دادم.

شاگرد: یک درجه را که دیگر کسی در نمی‌کند. مثلاً پنج درجه را چهار و نیم درجه می‌گوییم. خلاصه حدی هست که قطعاً دیده نمی‌شود، ممکن است از آن در نشده باشد.

شاگرد۲: پنج دقیقه بعد از مقارنه را هم گفته اند.

استاد: بله، تا پنج دقیقه بعد از مقارنه را هم گفته اند. حتی من یک چیز دیگری عرض کردم. اگر هلال در وقت مقارنه در مدار خودش پنج درجه با خورشید فاصله داشته باشد، پس زاویه جدایی دید ما در وقت مقارنه موجود است. پس با فاصله کمی کافی است که هلال زودتر قابل رؤیت شود.

> 41:09

شاگرد: مقارنه یک صفحه است. از پنج درجه قبل از آن صفحه تا پنج درجه بعد از آن صفحه قابل رؤیت نیست.

استاد: صفحه عمود یا صفحه افقی؟

شاگرد: صفحه عمود بر منطقة البروج.

استاد: خب اگر به این صورت است ما که نگاه میکنیم فاصله بین قمر تا شمس، درست است که مرکز قمر و مرکز شمس در درجات منطقة البروج مساوی هستند اما چون قمر بُعد و عرض از منطقة البروج دارد... . عرض و بُعد اصطلاح در اینجا بود. ظاهراً وقتی کوکبی از منطقة البروج فاصله داشت، اصطلاحش عرض بود، وقتی از معدل فاصله داشت اصطلاحش بُعد بود. اینطور یادم هست. یعنی در عرض پنج درجه است.

شاگرد: یعنی میفرمایید ولو قمر یک درجه از مقارنه در شده ولی چون خودش روی صفحه اینها نیست و فاصله دارد، ممکن است پنج درجه رسیده باشد و هلال داشته باشیم.

استاد: بله.

شاگرد: این همیشگی است؟

استاد: نه.

شاگرد: اگر همیشگی نیست همان اشکال میآید که یک وقت هایی به این صورت نیست.

ب) مجازیت در تعبیر «هلال جدید» در موارد عدم تشکیل هلال

استاد: اصل عرض من این است که وقتی به این صورت است، میتوان هلال را هلال جدید گفت. جدید بودنش به چه معنا است؟ یکی از مجازهای بسیار شایع مایوول است. میگویید سرکه ریختم. در مختصر بود. میگویید انگور خریده بودم، سرکه انداختم. خب هنوز خیلی مانده تا سرکه شود. اما به آن سرکه میگویید. چرا؟ به اعتبار مای ووول. در اینجا هم چون استقرار احکامش بعد از زوال فردا است تا بگوییم اول ماه هست یا نیست و به فردا برچسب بزنیم که ببینیم اول ماه هست یا نیست، از حالا میگوییم این هلال جدید است. یعنی شما احکام این را بلاریب بار میکنید.

شاگرد: ظاهر هلال جدید این است که الآن هست و تشکیل شده.

استاد: و لذا از مقارنه در شده.

شاگرد: ولی یک جاهایی هست که تشکیل نشده.

استاد: «لم یر» یعنی هلال جدیدی است که شأنا «لم یر» اما برای استقرار احکام فردا قبل از زوال، کافی است. هلال جدید است. کار خودش را انجام میدهد.

شاگرد۲: اینکه میفرمایند خلاف ظاهر است، ظاهر «لم یر» هم این نیست که بهخاطر مانع باشد. چون باید قید بزنند؛ «لم یر لمانع».

استاد: بله، ریخت حدیث این نیست که «لم یر» یعنی مانع داریم. من میخواهم بگویم وقتی اینجا ندیدیم آن جا هست.

شاگرد۳: طبق مبنایی که اگر قبل از زوال رؤیت شود مجزی است، درست میشود. اما اگر این مبنا نباشد اشکال وارد است.

استاد: من کاری به اصل مبنا ندارم. بیشتر با استقرار احکام روز کار دارم.

شاگرد۳: بالأخره باید اتخاذ مبنا کنیم. بر مبنای مشهور این اشکال وارد است.

استاد: یعنی اگر ما بالای افق همان شب هلال ممکن الرویه نداشته باشیم، فردا و بعدش هم دیگر فایدهای ندارد. در اینجا بله. یعنی این روایت خلاف آن حرف میشود. ولذا میگوییم این محتوا معرض عنه مشهور میشود. قبول ندارند که اگر ما در اینجا نگاه کردیم کافی باشد.

اما همینجا اگر روایت به این دقتی که الآن گفتیم ناظر نباشد، بگوییم منظور امام علیهالسلام این است که وقتی صبح بیست و نهم نگاه میکنید و نمیبینید، الآن نمیخواهم بگویم ندیدن شما یعنی رسیده و زودتر طلوع کرده، اما چون به پنج درجه رسیده نمیبینید. نه، اصلاً مقصود من از ندیدن این است که اصلاً نیست که ببینید. «فلم یر» یعنی نبود که ببینید. نبود که ببینید، با مبنای مشهور هم جور میشود. چون وقتی هلال نبود که ببینید حتماً در این طرف شش درجه رفته است. یعنی حتی از حد دانژون هم در شده است.

شاگرد: آنکه برای ما قابل کشف نیست.

استاد: روایت میخواهد بگوید «لم یر»، اصلاً کاری به کشف ندارد. میخواهد ثبوت را بگوید.

شاگرد: «لم یر» از آن قبیل است یا از این قبیل است؟

استاد: صبح نگاه کردیم و نبود. نه اینکه بود و زیر حد دانژون بود. روی این مبنا عرض میکنم. و الّا قبول کردم اگر آن را دیدیم، روایت معرض عنه میشود. اما استظهار دیگر این است که وقتی حضرت میفرمایند «فلم یر» یعنی نبود که ببینیم، وقتی نبود یعنی پنج درجه را رفته، نبود که ببینیمش. حضرت یک ضابطه هویی میدهند.

شاگرد: پنج درجه را از این طرف رفته است.

استاد: بله، یعنی آن پنج درجه را رفته، نبود که ببینیم. «فهو هاهنا»؛ دوازده ساعت بعد، نبود و ندیدیمش. حداقلش وقت مقارنه بود. بعد، شش درجه رفته است. یعنی از حد دانژون پنج درجهای هم در شده است. هلال جدیدی که مشهور میگویند دیگر مشکلی ندارد که بخواهند بگویند هلال جدید. یعنی اهلال هلال شده است. نه صرفاً یک درجه .

شاگرد۲: خلاف ظاهر است. «اذا طلب الهلال فلم یر»، ندیدن بهمعنای نبودن نیست.

استاد: اگر حرف امام را به صاحبه هیوی حمل کنیم قبول میکنیم. ظهور عرفی به این معانی که آقا فرمودند باشد، معرض عنه اصحاب میشود. اما اگر آن را حمل کردیم که امام الآن نمیخواهند مطلب عرفی بگویند میخواهند صاحبه هیوی بگویند. لذا کلام امام برای زمانیکه تلسکوپ ها هم در آمده دارد حرف میزنند و جلو میرود. امام میفرمایند بروید با تلسکوپ هم نگاه کنید، با حد دانژون زیر پنج درجه و ... را ملاحظه کنید، آن را رصد کنید، «فلم یری». یعنی اگر با دقیقترین اسباب نظر رصد کنید لم یری. میبینید الآن دیگر فضا، فضای عرف نیست. یعنی عرف هست، عرفی که چشمش مسلح شده و با چشم معمولی نیست.

شاگرد: مقصودم این است که «لم یری» در آخر حدیث را نمیتوان معنا کرد.

استاد: «ماهان هلال جدید»؛ این طرف هلال جدید است. ولو اینکه قابل رؤیت به نحو متعارف نباشد.

شاگرد: «لم یری» اول را نمیتواند با ابزار و دقیق باشد ولی «لم یری» دوم متفاوت باشد.

استاد: چون ذیل حدیث ناظر به حکومت بر روایات رؤیت است. یعنی تفاوت میکند. یعنی مقصود از این روایت توضیح روایات «لیس علی المسلمین الا الرویه» است. وقتی دارد میگوید مانعی ندارد. چون مقصود از حکم این است. روایت میخواهد حاکم باشد. حاکم چه کار میکند؟ میخ موضوع خودش را میکوبد که با ضوابط دقیق «لم یری». حالا میخواهد بهعنوان یک دلیل اثباتی شرعی حکومت کند. میگوید ادله دیگر در این طرف رؤیت میگفت، اینجا میگویم مراد از آنها احراز موضوع بود. «رئی او لم یری». یعنی «لم یری» در روایاتی که شما رؤیت را سراغ دارید. اینها محتملاتی است که ممکن است در این حدیث باشد.

شاگرد۲: باز هم موید روایتی است که میگوید اگر قبل از زوال دیده شد.

استاد: قطعاً موید آن میشود. موید خیلی خوبی برای آن میشود. لذا من عرض کردم. اینها محتملاتی است که وقتی میخواهید ذیل حدیث فکر کنید اینها را در نظر بگیرید تا راهگشا باشد. چه بسا بعداً این وجوه در فضای کلاسیک فقه بیایید آن وقت آیندگانی که بحثها را دقیقتر ملاحظه میکنند، چه بسا به مستندات بیشتری دست یافتند، این حدیث ولو سندش ضعیف است اما میتواند در قوی کردن تشابک شواهد و اینکه بتواند شاهدی برای جمعبندی نهائی باشد، کمک بکند. ما تلاشمان برای همین است.

50:21

شاگرد: یعنی ولو به کار خودمان نیاید ولی برای آیندگان به کار میآید.

استاد: منظور من همین است. احتمالاً هم کافی است. نمیگویم حتماً میآید. احتمال اینکه به کار بیاید کافی است. چرا؟ چون علی ای حال مضمون حدیث مضمونی است که برای راهگشایی معضلات هیئت و جغرافیا به درد میخورد. آن روز عرض کردم ما در جغرافیا به معضلاتی برخورد میکنیم. خیلی روی خط زمان خون دل خوردهاند تا خط زمان شد. خیلی روی آن فکر شده تا خط زمان شد. الآن خیلی راحت است و همه با آن مانوس هستیم. با آن هم کنار آمدهاند. چند سال سعی میکردم خودم را روی خط زمان فرض بگیرم و ببینم پنج متر آن طرف ترش و پنج متر این طرف ترش ساعت هایش چه فرقی میکند و تقویم های آن چه فرقی دارند. مدام ذهنم مشغول بود. کار خیلی ناقلایی است که روی خط زمان بایستید و یک پایتان را این طرف بگذارید و دیگری را آن طرف بگذارید. پای راستتان یک شنبه است، چه ساعتی؟ ثانیه آن را هم بگویید. پای چپ شما هم یک شنبه است یا دوشنبه؟ چه ساعتی؟ دقیق آن را بگویید. این مقداری کار میبرد.

شاگرد: خط زمان همان خط گرینویچ است؟

استاد: پشت آن است. به آن شکمی هم داده‌اند تا جزایری که در روسیه هست، تقویمش به هم نخورد. منظور من این است که غوامضی که در اینها برای سامانده‌ی کل کره پیش می‌آید، برای تقویم واحد برای کل کره، میقاتیت مستوعب، نه میقاتیت هر بلد برای خودش، وقتی آنطور فکر می‌کنیم و با آن غوامض روبرو شدند، چه بسا این حدیث آن روز به کارشان بیاید و فردا مقابل مولی حجت دارند. می‌گویند این حدیث ضعیف بود و مشهور هم به آن عمل نکرده بود. اما ما در یک نظامی به قطع رسیدیم که اینجا این حدیث می‌تواند برای ما با همان ضعفش، نظمی را تنظیم کند که بتواند کار ما را سامان بدهد. به‌خصوص با تاییدش به روایت عبید؛ «اذا رئی قبل الزوال هذه الیوم من الشهر الآتی».

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 23 آوریل 2026 14:07:10 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 آوریل 2026 14:10:00 توسط ... .